



10 فبروری 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

## درسی که باید از گذشته آموخت:

### درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009

(به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان»)  
Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

#### قسمت نهم پلان گالبرایت و خلیل زاد

انتخابات در همان روز 29 اسد با تمام مشکلات آن به پایان رسید و اما اعلان نتایج با جنجال های مواجه شد که مختصر آنرا کای آیدی در فصل بیست و چهارم کتاب خود تحت عنوان «یک پلان خطرناک» گنجانیده و کوشیده تا توجه را بیشتر به پلان گالبرایت معطوف سازد و از پلان خلیل زاد گزارش نداده است.

اینکه چرا شمارش آرا بیک بحث جنجال برانگیز تبدیل شد، نتیجه اعتراض رمضان بشردوست بر تصمیم کمیسیون انتخابات بود که کمیسیون در مورد خروج آرای مشکوک از شمار آرا اتخاذ کرده بود. کمیسیون به اساس این اعتراض آرای مشکوک را شامل شمار آرا کرد و به این نتیجه رسید که کرزی بیش از 54 فیصد و عبدالله تقریباً 28 فیصد آرا را بدست آورده اند. کای آیدی مخالف اینکار بود و می گفت که در مورد آرای مشکوک باید دقت بیشتر صورت گیرد و هرگاه آن عده آرای که گمان تخلف بر آن میرفت، باطل شمرده می شد و در شمارش آرا گنجانیده نمی شد، در آن صورت واضح بود که مجموع آرای کرزی به کمتر از 50 فیصد میرسید و در نتیجه انتخابات باید به دور دوم میرفت. چون دور دوم انتخابات نظر به نامساعدت اقلی نمیتوانست تا بهار سال آینده عملی شود و تا آن وقت خلای قدرت به وجود می آمد، لذا به گفته کای آیدی: «همه در یک بحران انتخاباتی قرار گرفته بودیم».

اینکه بحران چگونه حل گردد تا انتخابات با مصرف بیش از 230 میلیون دالربه نتیجه برسد، نظریات متفاوت بخصوص بین کای آیدی و معاون او گالبرایت موجود بود که این اختلاف نظر به ذات خود مشکل روی مشکل را ایجاد کرده بود. آیدی میخواست انتخابات نتیجه قابل قناعت را نه تنها برای کاندیدها، بلکه برای جامعه جهانی و نیز برای مردم افغانستان که با قبول مشکلات به پای صندوق های رأی رفتند، بار آورد، طوریکه به اصطلاح «هم لعل بدست آید و هم دل یار نرنجد» و خودش نیز از این رسالت خطیر موفقانه بدر آید و نیز افغانستان از لبه یک پرتگاه خطیر نجات یابد. اما معاون او گالبرایت در تبنانی با نظر هالبروک بجای رفع این مشکل، پلان دیگری رویدست داشت که کای آیدی آنرا در سه نکته چنین خلاصه می سازد:

- 1 - کرزی متقاعد ساخته شود تا از ریاست جمهوری استعفا دهد،
- 2 - داکتر عبدالله قناعت کند که از کاندیدای ریاست جمهوری منصرف شود،
- 3 - بعداً هم حکومت جدیدی به رهبری اشرف غنی احمد زی یا علی احمد جلالی رویکار آید.

نمیدانم چرا کای آیدی از پلان خلیل زاد تذکر نداده و موضوع تشکیل «کمیسیون اجرائی ملی» را تنها به ارتباط پلان گالبرایت مطرح ساخته است؟ اسناد نشان میدهند که ایجاد «کمیسیون اجرائی ملی» که متکفل پیشبرد امور مربوط به قوای اجرائیه خواهد بود، اصلاً طرح زلمی خلیل زاد میباشد که شاید مورد تائید گالبرایت نیز قرار گرفته خواهد بود، چنانچه روزنامه 8 صبح بتاریخ 3 جوزا 1388 (24 می 2009) ضمن یک گزارش مفصل تحت عنوان: «متن مسوده توافق میان خلیل زاد و کرزی...» مبنی بر ایجاد «کمیسیون اجرائی ملی» پرده از روی این راز برمیدارد و چنین می نویسد:

«طی ماه های اخیر خبرهای ضد و نقیضی از سهمگیری و مشارکت خلیل زاد به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری و بعداً به عنوان تیم کاری حکومت کرزی در رسانه های داخلی و خارجی مطرح گردیده است. این شایعات زمانی جدی شد که خلیل زاد با حضور در کابل از نقش جدید خود در خدمت به مردم سخن گفت و بدنبال آن کنفرانسی را

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

در دویی برگزار نمود. انتظار میرفت که آقای خلیل‌زاد یکی از نامزدان و رقیب اصلی حامد کرزی در انتخابات ریاست جمهوری باشد و محوریت افرادی چون اشرف غنی، جلالی و داکتر عبدالله را به عهده گیرد... سرانجام در آخرین روز روند ثبت نام نامزدان دیده شد که خلیل‌زاد در انتخابات ثبت نام نکرد و گفت که نامزد نشدن به معنی آن نیست که وی در افغانستان سهم فعال نداشته باشد... در همین وقت کرزی در یک سفر امریکا به سر می برد. 8 صبح در ادامه می افزاید که: «به نقل از منابع مؤثق، در همین سفر بحث های جدی و مذاکره بر سر مشارکت خلیل‌زاد در حکومت آینده افغانستان صورت گرفته است». 8 صبح واضح نساخته که طرف این مذاکرات در امریکا کی بوده است؟ به نظر روزنامه: «عدم حضور خلیل‌زاد در انتخابات ریاست جمهوری سبب گردید که یک محوریت قوی در برابر کرزی شکل نگیرد و براساس منابع مؤثق تلاش صورت گرفت تا محمد محقق و رئیس حزب جنبش ملی [دوستم] را از پیوستن به جبهه ملی باز دارد». اینکه دوستم از اقامت اجباری خود در ترکیه فوری به کابل آمد و در کنار کرزی قرار گرفت، میتواند نتیجه وساطت خلیل‌زاد برای همین هدف مشخص بوده باشد. روزنامه می افزاید: «با این وصف گفته میشود که خلیل‌زاد با این کار خواست تا کرزی همچنان به عنوان نامزد قوی باقی مانده و خودش در نقش رئیس اجرائی با صلاحیت های بیشتر، گردانندگی اصلی حکومت را به عهده گیرد». علاوه گفته میشود که در تدویر جلسه دویی احسان الله بیات نیز سهم فعال داشت و دلیل انصراف انوارالحق احدی از نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری رانیز میتوان به همین زد و بند های پشت پرده مربوط دانست. روزنامه 8 صبح در ذیل گزارش خود مسوده توافقی شده میان خلیل‌زاد و کرزی را نیز به نشر سپرده که اینک متن آن عیناً در اینجا اقتباس میگردد:

متن فرمان کرزی:

«بسم الله الرحمن الرحيم

به منظور ارتقای هماهنگی و مؤثریت در امور اجرائی، ایجاد کمیسیون اجرائی ملی (در متن این فرمان کمیسیون) را براساس ماده 64 قانون اساسی افغانستان منظور میدارم. لایحه وظایف و تشکیلات این کمیسیون در مطابقت با قانون اساسی و سایر قوانین نافذ افغانستان تنظیم میگردد. کمیسیون اجرائی ملی دارای صلاحیت های زیر میباشد:

- 1 - کمیسیون به نمایندگی از رئیس جمهور از امور اجرائی که وی به آن تفویض میدارد، سرپرستی می نماید.
- 2 - کمیسیون برنامه های اجرائی حکومت را در مطابقت با قوانین نافذ افغانستان طرح و در جهت هماهنگی امور مربوطه به رئیس جمهور مشورت داده و پیشنهاد ارائه میدارد.
- 3 - کمیسیون جهت اجرای مؤثر امور اجرائی و تأمین انتخاب افراد شایسته برای مسئولیت های حکومتی و همچنین عزل و تبدیلی آنها، در مطابقت با ماده 64 قانون اساسی افغانستان، به رئیس جمهور پیشنهاد های لازم را ارائه میدارد.
- 4 - کمیسیون برای ارتقای مؤثریت، شفافیت در امور اجرائی، فعالیت های وزیران و رؤسای اداره های مستقل را در بخش های دفاعی و امنیتی، سیاست خارجی و امور منطوقی، امور اقتصادی و مالی و امور حکومت داری و مبارزه با فساد و مواد مخدر هماهنگ می سازد.
- 5 - کمیسیون دارای یک رئیس، بودجه و تشکیلات متناسب با اجرای مسئولیت هایش می باشد.
- 6 - رئیس کمیسیون اجرائی ملی در جلسات کابینه اشتراک نموده و از امتیازات یک عضو کابینه برخوردار میباشد.
- 7 - با ایجاد این کمیسیون، صلاحیت های شورای امنیت ملی، کمیسیون مشورتی انتخاب کارمندان ارشد و دارالانشای شورای وزیران نیز به این کمیسیون انتقال می یابد. «(پایان فرمان)

روزنامه 8 صبح در پایان گزارش می نویسد که: «اکنون معلوم نیست که با وصف توافق خلیل‌زاد این فرمان از سوی کرزی اعلان خواهد شد یا نه، زیرا آقای کرزی با آمدن خلیل‌زاد نگران کمرنگ شدن موقعیت خود در صحنه سیاسی افغانستان میباشد».

در آنوقت گفته می شد که هالبروک و گالبرایت با گماشتن خلیل‌زاد در این مقام موافق نبودند و لذا بجای خلیل‌زاد آنها از دوشخص دیگر یعنی اشرف غنی و جلالی در این مقام حمایت میکردند، چنانچه کاندید نشدن علی احمد جلالی برای ریاست جمهوری که بسیار شایع شده بود، امکان دارد به همین دلیل صورت گرفته باشد. اما قراریکه بعداً واضح شد کرزی ظاهراً بیشتر متمایل به اشرف غنی بود. کرزی با این وسیله موفق شد دو رقیب احتمالی خود یعنی خلیل‌زاد و جلالی را به امید این مقام از صحنه رقابت های انتخاباتی دور نگهدارد و در عین زمان او با این ترتیب امریکائی ها را به امید نصب کردن اشرف غنی به مقام ریاست کمیسیون اجرائی ملی اغفال کرد تا از حمایت جدی آنها از اشرف غنی

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

در انتخابات بکاهد و در نهایت میدان را برای خود خالی سازد. اینجاست که میتوان به عمق فقره سوم پلان گالبرایت پی برد که کای آیدی آنرا به این عبارت بیان کرده است: «بعدها هم حکومت جدیدی به رهبری اشرف غنی احمد زی یا علی احمد جلالی رویکار آید».

بهرحال اکنون برمیگردم به کتاب کای آیدی که او در زمینه چه نوشته است:

### پلان خطرناک

(فصل بیست و چهارم کتاب از صفحه 188 الی 192)

مترجم: محمد نعیم مجددی

آنگاه که فردی بنام کامبخش بدون هیچ خطری از افغانستان خارج ساخته شد، من جهت ملاقات با هالبروک ابتدا به پاریس و بعداً هم به استاکهلم سفر نمودم. پلان این بود تا کنفرانسی را در شهر ویسبی (Visby) در جزیره گاتلند که رؤسای کمیته های خارجی مربوط به پارلمان اروپا در آن شرکت می کردند، دایر کنیم. در شهر استاکهلم خانم و من سالگرد عروسی خود را در حالی تجلیل کردیم که بلدت (Bildt) و خانمش نیز با ما بودند. زمان این استراحت کوتاه بود زیرا به زودی اخبار بدی از کابل دریافت کردم. در این اخبار آمده بود که قرار است کمسیون مستقل انتخابات ارقام جدیدی را به نشر بسپارد. چنان می نمود که کمسیون انتخابات در قبال احتجاجی که بشر دوست نموده بود و صلاحیت این کمسیون را در مورد باطل ساختن آرای مشکوک زیر سوال برده بود، موازین دست داشته برای شمارش آرای مشکوک دور اول انتخابات را نادیده گرفته باشد. ولی اکنون که نظر بشر دوست غلط ثابت شده بود، کمسیون مستقل انتخابات نیز تصمیم گرفت تمام آرای مشکوک و قابل مناقشه را اعتبار ببخشد و در پروسه شمارش آرا داخل سازد. اینست که رئیس جمهور کرزی 54.1 فیصد رأی را از آن خود ساخت، در حالیکه رأی داکتر عبدالله به 28.1 فیصد تنزل نمود. دیده می شود که رئیس جمهور کرزی برای اولین بار مرز جادویی موفقیت را عبور کرد و در حالیکه بیشتر از 50 در صد آرا را بدست آورده بود، برنده دور اول انتخابات گردید. من به رئیس کمسیون مستقل انتخابات داکتر عزیز الله لودین تلفون نموده اعتراض خود را گفتم ولی او فقط به ایرادات بشر دوست اشاره کرده علاقه چندانی به موضوع نشان نداد. اینست که ما بیانیه را به نشر سپردیم و از کمسیون مستقل انتخابات خواهش نمودیم همان موازین و معیار های قبلی خود شان را مدار اعتبار قرار دهند، نه چیز دیگر را و کمسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی به کمسیون انتخابت دستور داد حتی المقدور و با تطبیق دو باره موازین گذشته (که به حالت تعلیق در آمد بود) تمام آرای مشکوک را مجدداً مورد بررسی قرار دهند.

در این وقت بود که گالبرایت در یک تماس تلفونی به من گفت که پروسه انتخابات سراسر در معرض فروپاشی رفته است. او ادامه داد که شمارش آرا و تصدیق نتایج نهائی چنان مدت طولی را در بر می گیرد که برگزاری دور دوم انتخابات را قبل از بهار 2010 ناممکن خواهد ساخت. گالبرایت بطور ضمنی گفت که باید از همان آغاز راه بیرون رفت از این حالت را جستجو می کردیم و سر های خود را به دیوار چنین سختی نمی کوبیدیم. من بلا فاصله از سخنرانی در کنفرانس ویسبی منصرف گردیدم و از راه اوسلو دوباره به کابل برگشتم.

به مجرد رسیدن به کابل که مصادف به صبح روز نهم سپتمبر بود، با تیم کاری دفتر ملل متحد در قصر نمبر 7 ملاقات نموده اوضاع جاری انتخابات را مورد مطالعه قرار دادیم. هیئت همکاران، بر خلاف گالبرایت بیشتر امید وار بودند و می گفتند که هنوز هم همه چانس ها از دست نرفته و می توانیم قبل از رسیدن به دیوار سخت و غیر قابل نفوذ از این چانس استفاد کنیم. ناگفته نماند که اگر ما دور دوم انتخابات را به تعویق می انداختیم، نه تنها افغانستان با خلای قدرت سیاسی مواجه می شد، بلکه صاحب یک رئیس جمهوری (مؤقت) می گردید که 9 ماه بیشتر عمر نداشت؛ اینست که باید راه حل دیگری جستجو می کردیم و از شمارش دوباره هر یک از ورقه های مشکوک رأیدهی که مدت زیادی را در بر می گرفت، منصرف می شدیم.

بعد از ظهر آنروز من با گالبرایت و بعضی از همکاران نزدیک وی ملاقات کردم، ولی طوریکه پیش بینی نموده بودم پیام وی را دقیقاً مشابه آنچه که دو روز قبل در تلفون گفته بود، یافتم: «همه در یک بحران انتخاباتی قرار گرفته ایم.

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

رئیس جمهور کرزی بر خلاف ارقامی که کمیون مستقل انتخابات ارائه داده، 50 درصد آرای ضروری را برای بدست آوردن کرسی ریاست جمهوری در دور اول انتخابات حاصل نکرده است. از طرف دیگر دور دوم انتخابات نمی تواند قبل از بهار سال آینده بر گزار شود و این حالت آینده وخیمی را برای این کشور در پی خواهد داشت». ولی یک عضو ارشد کارمندان با اینکه با گالبرایت موافق بود، تاکید کرد که در هر بحران فرصت های جدید نهفته است که باید از آن استفاده کرد. اکنون هم این فرصت جدید برای ما میسر است. باید قوی باشیم و نگذاریم این چانس هم از دست برود. یکی از همکاران نزدیکم به من گفته بود که گالبرایت قبلاً با بعضی از کارمندان دفاتر مختلف ملاقات هایی داشته و به توافقاتی نیز دست یافت است. درست در همین لحظه بود که گالبرایت به من رو گشتاند و پیشنهاد کرد اگر لحظاتی بیرون دفتر برویم و بررسی های بیشتر موضوعات را ادامه دهیم. طلعت بیگ مصدق اوف ( Talatbek Masadykov) آمر دفتر سیاسی نیز به ما پیوست.

به محض اینکه در عقب یکی از میزها در باغ دفتر قرار گرفتیم، گالبرایت آنچه را که مراحل بعدی کار فکر کرده بود، آشکار ساخت و گفت باید هرچه زودتر به واشنگتن برود و ملاقاتی را با معاون رئیس جمهور جو بایدن ( Joe Biden) که در بدبینی به مقابل کرزی مشهور است، سامان بخشد. گالبرایت می گفت که هرگاه جو بایدن با پلان وی موافقت کند، متحداً نزد رئیس جمهور خواهند رفت و کوشش خواهند کرد موافقت اوباما را نیز حاصل نمایند. پلان گالبرایت این بود:

- کرزی متقاعد ساخته شود تا از ریاست جمهوری استعفا دهد،  
- داکتر عبدالله قناعت داده شود تا از کاندیدای ریاست جمهوری منصرف شود  
- بعداً هم حکومت جدیدی به رهبری اشرف غنی احمد زی یا علی احمد جلالی (وزیر داخله قبلی در حکومت کرزی) رویکار آید.

من به سخنان گالبرایت گوش دادم ولی جوابی به آن ندادم زیرا فکر می کردم چنین پلانی اصلاً عملی نخواهد بود و به همین لحاظ به گالبرایت گفتم میخواهم بیشتر به این موضوع فکر کنم و وعده سپردم که فردای آن روز جواب وی را خواهم داد. آن شب را من نه تنها راجع به پلان مرتبه گالبرایت، بلکه در باره تمام فضا و هوایی که سراسر ماموریت ما را مسموم ساخته بود، با همکاران نزدیکم به مشورت و رایزنی سپری کردم و جویای نظریات ایشان شدم.

فردای آن روز گالبرایت و من در قصر نمبر 7 حضور یافتیم. من در جوابی که وعده کرده بودم به گالبرایت گفتم که پلان پیشنهادی وی کاملاً غیر عملی بوده مغایر با ارزش های قانون اساسی و قوانین دیگر کشور مربوط به پروسه انتخابات می باشد و جز مداخله مستقیم و غیر قابل قبول در امور این کشور چیز دیگری بشمار نخواهد رفت. گذشته از این، توسل به این کار اعتراض جامعه جهانی را در قبال خواهد داشت و به شورش و نا آرامی در داخل افغانستان منجر خواهد شد و به حیثیت مؤسسه ملل متحد صدمه بزرگی وارد خواهد کرد. گالبرایت که به حساسیت قضایا پی برده بود، بدون اینکه چیزی بگوید پیشدستی نموده درخواست چند هفته مسافرت به خارج را از من نمود و اظهار امید واری کرد که تا آمدن دوباره وی، اوضاع آرام تری داشته باشیم. من به این درخواست موافقت کردم و گالبرایت چند روز بعد کابل را ترک گفت.

این اولین بار نبود که گالبرایت از حدود صلاحیت های خود فراتر می رفت. او قبلاً هم بدون اطلاع و موافقت من پیشنهاد کرده بود تعداد مراکز رای دهی را محدود سازند. او بعد از انتخابات نیز خود را به داکتر عبدالله رسانیده و گفته بود که هرگاه موفقیت کرزی در انتخابات را قبول نماید، کرزی به یک رئیس جمهور بیشتر تشریفاتی میدل خواهد گشت و آنگاه وی (عبدالله) میتواند مقام صدارت را از آن خود سازد و با قدرت بیشتری رویکار بیاید. با اینکه این امر مستوجب تغییر قانون اساسی افغانستان بود، ولی گالبرایت که فکر می کرد از نفوذ فوق العاده ای در واشنگتن بر خوردار است، این کار را در صورت قبولی داکتر عبدالله ممکن می دانست. روز بعد یک عده همکاران خارجی و بین المللی با من در تماس شدند و تمام معلومات این مجلس را که عبدالله خود به آنها داده بود، در اختیار من گذاشتند. بدون شک این پیش آمد عبدالله را کنجکاو ساخته بود، زیرا نمی دانست تماس گالبرایت در قبال مشاوره و مشارکت مایان صورت گرفته یا چطور؟ آیا گالبرایت در ارتباط با مؤسسه ملل متحد و امریکا چنین پیشنهادی را به داکتر عبدالله نموده بود؟

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

وقتی من از گالبرایت در این زمینه پرسیدم و طالب معلومات شدم، او که اول چنین ملاقاتی را تکذیب کرده بود، تغییر فکر داد و بعد از تأیید و تصدیق، تمام جریان مذاکره با عبدالله عبدالله را مفصلاً در ضمن یک نامه برایم ارسال نمود. جالب تر اینکه وقتی اخبار ها جریان بر کنار شدن کرزی را با استناد به پلان گالبرایت نشر کردند، گالبرایت با نشان دادن یک عکس العمل فوری این خبر را تکذیب کرد؛ ولی در دسامبر 2009 آنگاه که از طرف BBC مورد سوال قرار گرفت و از وی پرسان شد که آیا این جریان را جعل نکرده و دروغ نگفته است؟ گالبرایت مکث کوتاهی نموده گفت: "بلی دروغ گفته است!".

در توضیحات دیگری گالبرایت تأیید کرده بود که به عنوان یک راه حل عاجل و مؤقتی در پلان بر طرفی کرزی شمولیت داشته است. آقای گالبرایت که من حیث یک ژورنالیست آزاد و غیر وابسته در موضوعات بسیار حساس سیاسی شمولیت یافته بود، نمی دانست که این پلان چه مؤقتی و چه دایمی مغایر قانون اساسی افغانستان خواهد بود. واقعاً بهتر بود اگر گالبرایت برای مدتی این کشور را ترک کند، زیرا من به هیچ وجه نمی توانستم به سخنان وی باور داشته باشم.

مذاکرات ما با رئیس جمهور در باره انتخابات کماکان ادامه داشت. آقای کرزی که اغلباً بی حوصله به نظر می رسید، در 17 سپتمبر به یک کنفرانس مطبوعاتی حضور یافت. جای تذکر است که یک روز قبل کمسیون مستقل انتخابات نتایج اولیه را بطور کلی اعلان کرد و قرار بود این نتایج اول به کمسیون بررسی شکایات انتخاباتی و بعداً برای تصمیم گیری نهایی، دوباره به کمسیون مستقل انتخابات راجع گردد. بنا بر نتایج مذکور رئیس جمهور کرزی 54.62 فیصد و داکتر عبدالله 27.75 فیصد آرا را بدست آورده بودند. ولی این نتایج طوریکه قبلاً هم اشاره شد، شامل آنده رای هایی که گمان تخلف بر آن می رفت و باید از شمارش آرا خارج ساخته می شدند، نیز می گردید. جای شک نیست که هرگاه از این تخلفات تحقیق به عمل می آمد، رئیس جمهور کرزی نمی توانست فیصدی مذکور (54.62 در صد) را بدست آورد. بناءً خواستم کرزی را قبل از اینکه به کنفرانس مطبوعاتی موعود حاضر شود، ملاقات نمایم. در ملاقاتی که دست داد، من به اصرار از کرزی خواستم اعلان نکنند که برنده نهایی گردیده است، بلکه بهتر است نشان دهد که همه امور بطور عادی به نتایج نهایی نزدیک گردیده از طریق مؤسسات مؤظف به پیش برده می شود و علاوه نمودم که اعلان پیروزی کرزی در آن حالات احتمالاً به شورشهایی در مرکز و ولایات کشور منجر خواهد شد. بعد از ختم ملاقات بلا فاصله به دفتر رفتم و به بیانات کرزی در تلویزیون گوش فرا دادم و دیدم نه تنها از پیروزی خود یادی نکرد، بلکه تکراراً به اهمیت کار کمیته مستقل انتخابات و کمسیون بررسی شکایات انتخاباتی اشاره نمود و رسیدن به نتایج نهایی را به کار این دو نهاد مربوط دانست. (پایان فصل)

### تلاش برای نجات انتخابات

(فصل بیست و پنجم کتاب از صفحه 193 الی 196)

مترجم: محمد نعیم مجددی

با رفتن گالبرایت به خارج امید وار بودم کار های ما بطرف سازندگی بیشتر پیش برود. همانا، از چند نفر متخصصان مجربی که در کابل بودند، دعوت کردم ما را در زمینه یاری رسانند. خوشبختانه خانم کارینا پیریلی (Carina Perelli) که معاونیت بنیاد بین المللی سیستم های انتخاباتی (IFES) را به عهده داشت، قبلاً به افغانستان بود و تمام پروسه انتخابات را از نزدیک تعقیب کرده بود. پیریلی که تصادفاً به مشوره گالبرایت به افغانستان آمده بود، از متخصصان مجربی است که از قبل با وی آشنایی داشتیم. این خانم که در گذشته رئیس کمک های انتخاباتی مؤسسه ملل متحد بود، پیشنهاد کرد که با کارلو ولنزویلا (Carlos Valenzuela) که امر هیئت ملل متحد در انتخابات جمهوری دموکراتیک کانگو بود، تماس بگیریم و از وی خواهش کنیم هر چه زود تر به کابل بیاید. نامبرد (ولنزویلا) به زودی به کابل آمد و تجارب فراوانی را که از انتخابات بغرنج و پیچیده در کشور های مختلف جهان داشت، در اختیار ما قرار داد.

متخصصان مذکور متحداً یک متود جدید را معرفی کردند و نشان دادند چگونه می توانیم نتایج نهایی انتخابات را قبل از اینکه سردی های زمستان دور دوم انتخابات را نا ممکن سازد، اعلان نمایم. متود جدید این بود که به جای شمارش

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

یک یک صندوق ها از روش نمونه (Sample Method) کار گرفته شود، به این معنی که الگو های واحدی را از تمام صندوق های حاوی آرای مشکوک مورد بررسی قرار دهیم و آنگاه ارقام حاصله را در مورد نتایج تمام آرای دیگر قیاس نماییم. اولین مشکلی که فرا روی ما قرار گرفت، اتخاذ تدابیری بود که کمیت این الگو ها را تعیین کنیم و حدود اشتباهات راه یافته به داخل صندوق های رأیدهی را روشن سازیم و در عین حال میزان باور مندی و اعتماد مردم را جلب کنیم و بلند ببریم. هر دو کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی متودولوژی جدید را مورد بحث قرار داده و اظهار همکاری نمودند و حاضر شدند سریع ترین راه قابل اطمینان را در این زمینه بیابند و تعقیب نمایند. البته همکاری این دو کمیسیون با یکدیگر برای ما از اهمیت خاص بر خوردار بود، زیرا موجودیت فضای متشنج و ناشی از کشیدگی در بین کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی (کمیته اخیراً لذکر تحت نظارت خارجی ها فعالیت داشت) این بحران را تشدید می نمود و هیزم بیشتری به این آتش می انداخت. فراموش نکنم که مدیران و منجران کمپاین های انتخاباتی هر دو طرف یعنی رئیس جمهور کرزی و داکتر عبدالله نیز روش پیشنهادی هیأت مذکور را پذیرفته بودند. اکنون چنین می نمود که از شر این بحران رهائی یافته ایم و موضوع انتخابات میتواند مجدداً در دست هیأت های انتخاباتی قرار بگیرد.

باید متذکر شوم که هیأت همکاران ما هیچگاه با چنین حالتی مواجه نشده بودند و مشکل انتخابات افغانستان برای همه و بخصوص برای متخصصان انتخابات چیز تازه ای بود که نظیر آنرا در نقاط دیگر جهان ندیده بودند. کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی موازین جدیدی را در مورد صندوق ها و مراکز کوچکتر رأیدهی چنین وضع کرد:

- 1- مراکز فرعی رأیدهی که بیشتر از 600 رأی آورده باشند، رأی شان قانونی خواهد بود، زیرا این تعداد رأی بیشتر از تعداد اوراق رأیدهی در یک مرکز می باشد.
- 2- آنده مراکز رأیدهی که بیشتر از 100 رأی آورده باشند و بیشتر از 95 در صد این آراء هم به یک کاندید واحد تعلق داشته باشد، رأی شان قانونی خواهد بود.
- 3- ترکیبی از دو معیار فوق الذکر، یعنی آنده رأیدهی که بیشتر از 600 رأی را در حالی آورده باشند که 95 در صد آراء به کاندید معینی تعلق داشته باشد، رأی شان قانونی خواهد بود.

طوریکه تذکر رفت هر مرکز رأیدهی شامل چندین مرکز فرعی دیگر بود، بناءً اگر مرکز فرعی رأیدهی اضافه از 600 رأی را می آورند، بدان معنی بود که رأی دهندگان رأی شانرا در عین محل به مرکز فرعی دیگری ریخته بودند. ولی اگر این 600 رأی به اضافه 95 در صد رأی در صندوق یک کاندید واحد سرازیر می شد، دیگر شبهه بی در تقلب وجود نداشت. موازین دیگر هم بودند که با استفاده از آن بعضی رأی ها باطل اعلان می گردید. چنانچه توافقاتی وجود داشت که یک رأی مشکوک را در موارد خاصی اعتبار می دادند، زیرا اتفاق می افتاد که رد کردن بلا مانع تمام آراء مشکوک بعضی از آراء قانونی و مشروع را نیز به خطر رد شدن مواجه سازد.

قدم بعدی این بود که باید رأی های نمونه را حساب می کردیم و می خواندیم. به این دلیل نمایندگان هر دو کاندید در حالی که رؤسای هر دو کمیسیون یعنی کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی حاضر بودند، در دفتر ملل متحد گرد آمدیم. هیأت متخصصان برای هر یک از سه مشخصه پیشنهاد شده تعداد معین صندوق ها را اختصاص داده بودند. باید بگویم که در آغاز هر چه چیز درست به نظر می رسید و من هم که شاهد باز شدن صندوق ها بودم، بزودی به دفتر کارم مراجعت کردم و خواستم دیگران را در وظایف شان آرام بگذارم. ولی یک دقیقه بیشتر نگذشته بود که مارگی کوک (Margie Cook) یکی از آمرین شعبه (UNDP ELECT) تلیفون کرد و بطور مضطربانه از بر خورد بین داکتر عزیز الله لودین (رئیس کمیسیون مستقل انتخابات)، و شخص دیگری که آمر تیم مبارزاتی داکتر عبدالله بود، خبر داد و گفت شمارش آراء (نمونه) توقف یافته است و هر دو طرف به ملامتی یکدیگر مشغول بوده داد و فریاد زیادی راه انداخته اند. داکتر لودین نماینده داکتر عبدالله را بازنده خطاب کرده بود و مارگی کوک فکر می کرد هرگاه به این وضع خاتمه داده نشود، ممکن است به زد و خورد در بین این دو منجر شود و نتایج وخیم تری بار آورد. من بلا فاصله به محل ملاقات شتافتم و داکتر لودین و نماینده داکتر عبدالله را چنان عصبانی و رو در روی یکدیگر یافتم که امکان مداخله و نزدیک شدن به آنها را ممکن ندانستم. به هر حال جرأت نموده پیش رفتم و در حالیکه هر یک را از هم جدا می کردم، فریاد زدم آرام باشند و به کار مهمی که در پیش دارند، ادامه دهند. خلاف

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

توقع، دیدم خواهش من قبول گردید و هر دو از حالت بر افروختگی پائین آمدند و آرام شدند. خوش چانسی دیگر اینکه (بنا بر یک فیصله قبلی) هیچ نماینده‌ی از طرف رسانه‌ها در این مجلس حضور نیافته بود.

اکنون که صندوق‌های مورد نظر باید از تمام ولایات کشور به کابل انتقال می‌یافت، تجویز گرفته شد تا هرچه زودتر به تعداد 385 صندوق را از اکثر ولایات مورد نظر جمع‌آوری نموده به پایتخت انتقال دهند. سرجمع این صندوق‌ها که رأی مشکوک را در خود پنهان داشتند، به 3498 صندوق می‌رسید. محاسبین ما اطمینان میدادند تعداد رأی‌های نمونه (Samples) بیشتر از 10 فیصد صندوق‌های مشکوک را تشکیل می‌دادند، که یک محاسبه‌ی درستی به نظر می‌رسید. بالاخره در پنجم اکتوبر مرحله‌ی دشوار شمارش هر یک از صندوق‌ها آغاز گردید. ما وقت زیادی در اختیار نداشتیم و هر بار که رئیس‌جمهور را ملاقات می‌کردم، اصرار می‌ورزید که باید هرچه زودتر این مراحل خاتمه پیدا کند و نتیجه‌ی عمومی شمارش آراء اعلان گردد.

من از رئیس‌جمهور خواهش کردم چند روز دیگر حوصله‌ی نماید، ولی بزودی متوجه شدم که این حالت از یک روز به روز دیگر و از یک هفته به هفته‌ی دیگر می‌رفت و خیلی بیشتر از آنچه که ما توقع داشتیم وقت می‌گرفت. بالاخره معلوم شد که یک سلسله‌ی اشتباهات فنی در طرز العمل این اجراءات دخیل بود که باید اصلاح می‌گردید. ناگفته نماند که در بین خارجی‌ها نیز، بخصوص آنهایی که شامل پروسه بودند و یا آن‌عده متخصصان که به دعوت ما برای کمک به کابل آمده بودند، و همچنان سه کارمند بین‌المللی که من آن‌ها را به کمیسیون‌های بررسی شکایات و UNDP ELECT تعیین کرده بودم، اختلاف نظر موجود بود. از طرف دیگر، رئیس‌جمهور کرزی هم نا آرام بود و اصرار داشت که روزانه پول‌های زیادی از کشور خارج می‌گردد و شمار درخواست‌کنندگان ویزه به کشور‌های همسایه بطور غیرقابل باور افزایش یافته است. آقای کرزی حق به جانب بود، زیرا همه در یک خلای سیاسی قرار گرفته بودیم که هر آن ممکن بود به طوفان‌ها و شورش‌های خیابانی مبدل گردد. مردم احساس امنیت نمی‌کردند و برای خارج شدن از کشور آمادگی می‌گرفتند. (پایان فصل)

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ